

سازمان شانگهای و منافع ایران

دکتر محسن شریعتی‌نیا

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

در اجلاس دیروز سازمان همکاری شانگهای باردیگر بحث عضویت ایران به میان کشیده شد، بحثی که حداقل یک دهه است تکرار می شود و هزینه های پرستیژی مهمی برای کشور داشته است. منابع رسانه ای در غرب مدعی اند که روسیه خواستار طرح موضوع عضویت ایران بوده، اما دیگرانی با آن مخالفت کرده اند. از دیگر سو سطح شرکت ایران در اجلاس سران این نهاد پیام دیگری را ارسال می کند .

اما فارغ از این مباحث، پرسش مهم آن است که عضویت در این نهاد چه طیفی از منافع را نصیب ایران می سازد، کشوری که در آستانه هر اجلاس سران در سالهای اخیر موضوع عضویت آن مطرح و به تصریح یا تلویح رد شده است. ایران چه انتظاراتی می تواند از این نهاد داشته باشد که چنین هزینه های پرستیژی می پردازد؟

- ابرخی معتقدند که سازمان شانگهای یک سازمان امنیتی و موازنه گر در نظام بین الملل است و عضویت ایران می تواند دستاوردهای استراتژیکی برای این کشور در برداشته باشد. اما با دقت در رفتار این نهاد در یک دهه اخیر به سختی می توان شواهدی موید امنیتی بودن و موازنه گرایی این سازمان یافت. در یک دهه اخیر این سازمان در بحران افغانستان که یکی از مهمترین بحران های بین المللی است و در مجاورت محیط امنیتی این نهاد قرار دارد، عملاً منفعل بوده و به بیان کلیات بی ضرر در بیانیه های سالانه اکتفا کرده است، در حالی که ناتو در این بحران که هزاران کیلومتر از جغرافیای آن فاصله دارد به شدت فعال بوده است .

مهمتر آنکه در سالهای اخیر روسیه به عنوان عضو کلیدی این نهاد در بحران گرجستان و بویژه اوکراین رویاروی غرب قرار گرفته، اما این نهاد عمداً منفعل بوده است. بنابراین این نهاد را نمی توان نهادی امنیتی به معنایی که در متون استراتژیک به کار می رود نامید. یکی از مهمترین دلایل انفعال امنیتی این نهاد، تفاوت دستورکار استراتژیک چین و روسیه است. روسیه قدرتی ژئوپولتیک است که تولید و نمایش قدرت را از مسیر امنیتی- نظامی پیگیری می کند، اما چین هنوز یک قدرت ژئواکونومیک است که تولید و نمایش قدرت را در اقتصاد می بیند. به دیگر سخن برای روسیه فتح سرزمین ها اولویت دارد و برای چین فتح بازارها. این دوپادشاه به سختی در یک اقلیم می گنجند.

با ورود هند و پاکستان به این نهاد، احتمالاً تفاوت دستور کار به تعارض دستور کار تبدیل خواهد شد. اساساً یکی از معانی که برای عضویت دو کشور متخاصم در این نهاد می‌توان متصور شد، این است که پیگیری دستور کارهای استراتژیک عملاً منتفی است .

۲- حتی اگر این نهاد از شرایط بن بست در پیشبرد دستور کارهای استراتژیک گذر کند، بعید است اولویت‌های سیاست خارجی کنونی ایران در رادار آن قرار گیرد. ایران با چند مسئله استراتژیک مواجه است: رقابت با آمریکا، حفظ موازنه قدرت مطلوب خود در خاورمیانه و مواجهه موثر با تهدید رو به گسترش افراط‌گرایی. سازمان‌های شانگهای در هیچ یک از این مسائل بازیگر مهمی نیست و دستور کار مشخصی در قبال آنها ندارد. این نهاد تنها در یکی از بیانیه‌های خود به طور تلویحی با حضور آمریکا در آسیای مرکزی مخالفت کرد، در مورد مسائل خاورمیانه بی طرف بوده و مقابله با تروریسم را به جغرافیای اعضای اصلی محدود کرده است. مهمتر آنکه تعریف بخش مهمی از اعضای این نهاد از تروریسم با تعریف ایران متفاوت و در جاهایی متعارض است تا حدی که برخی از آنان ایران را به طور ضمنی یک تهدید می‌دانند .

۳- در حوزه همگرایی اقتصادی که برخی آن را به عنوان دلیلی برای تعجیل در عضویت ایران تلقی می‌کنند نیز این نهاد دستاوردهای قابل‌ذکری ندارد. همگرایی در این نهاد در مراحل ابتدایی مانده است. مهمتر آنکه چین و روسیه به عنوان دو بازیگر کلیدی آن هر یک طرح‌های همگرایی جدیدی را اجرایی کرده‌اند. چین مگا پروژه کمربند اقتصادی جاده ابریشم را کلید زده و روسیه بر شکل دهی به اتحادیه اوراسیایی اصرار می‌ورزد. پرسش اینجاست که چه ضرورتی باعث شده تا این دو قدرت دو طرح جدید را روی دست بگیرند، دوطرحی که کانون اجرای آنها جغرافیای سازمان شانگهای است. یک پاسخ این است که شانگهای در شکل دهی به نوعی از همگرایی منطقه‌ای که منافع اقتصادی متفاوت چین و روسیه را تامین کند ناموفق بوده است. البته این نهاد به بسط نفوذ چین در آسیای مرکزی کمک کرده است، نفوذی که مشخص نیست روس‌ها بدان راضی باشند. بنابراین چشم انداز دستیابی ایران به منافع توسعه‌ای از مسیر عضویت در این نهاد نیز چندان روشن نیست .

۴- فرضیه دیگر آن است که عضویت در این نهاد به گسترش روابط ایران با چین و روسیه منجر می‌شود. روابط ایران با چین و روسیه منطقی دوجانبه و نه چندجانبه دارد. این روابط به صورت دوجانبه در سالیان اخیر بسیار رشد کرده است، به گونه‌ای که می‌توان مدعی شد تا حدی اشباع شده است و جستجوی حوزه‌های جدید برای رشد آن دشوار است. در چنین شرایطی عضویت در این نهاد بیش از آثار سمبلیک بر روابط ایران با این دو قدرت تأثیر نخواهد گذاشت .

از منظر نویسندگان، ایران منافع استراتژیک و مشخصی از عضویت در شانگهای با ساز و کار فعلی کسب نخواهد کرد، اما هزینه‌های پرستیژی قابل توجهی در این حوزه پرداخته است. یکی از دلایلی که این هزینه را پرداخته

ایم این است که تعریف نظری روشن و قابل اتکایی از منافع ایران در این نهاد صورت نگرفته است. به دیگر سخن عمل بر نظر مقدم بوده است. البته اقدام ایران در کاهش سطح حضور در اجلاس سران این نهاد را باید به فال نیک گرفت و امیدوار به برخورد از موضع قدرت با مسئله عضویت در این نهاد بود .

لینک مقاله:

http://www.tabnak.ir/fa/news/
۸۶-۸۸٪۹C-%D۸٪DB٪YA٪۸D٪۸۷٪۹DA%AF%D٪۸۶٪۹D٪YA٪۸D٪۴B٪۸-%D۸۶
۸۶٪۹D٪YA٪۸D٪۱B٪۸C%D۸٪DB٪YA٪۸-%D۹B٪۸D٪۸۱٪۹D٪YA٪۸D٪۸۶٪۹D٪۸۵٪۹%D